



دست در دست دوست

داستان دست در دست دوست درباره ی چه موضوعی است؟
ملاقات علامه حلی با امام زمان (عج)

غروب حیرت‌انگیزی است.

آسمان حالت دیگری دارد.

پرنده‌گان هرکدام راهی لانه‌ی خود شده‌اند.

روشنایی روز کم‌کم در حال بی‌رمق شدن است.

انگار اتفاق عجیبی در راه است.

شب شگفتی است.

علامه حلی چه موقع امام زمان (عج) را ملاقات کرد؟
هنگام رفتن به سمت حرم امام حسین (ع)

حس دیگری دارم.

سوار بر اسب به سمت حرم سیدالشهداء (علیه‌السلام)، پیش می‌روم.

تنهایی، تاریکی، سکوت،

نسیم خنکی در حال وزیدن است.

حال دیگری دارم.

گویا کسی مرا به خود می‌خواند.

مگر قرار است چه اتفاق مهمی بیفتد؟

صدای باد، همدم من در آن فضای تاریک است.

اما من، آرام و بی‌صدا در دل ذکر می‌گویم.



اللَّهُ اكْبَرُ، اللَّهُ اكْبَرُ ...
الحمد لله، الحمد لله ...
سبحان الله، سبحان الله ...

از فاصله‌ای نه چندان دور، صدایی توجّه مرا به خود جلب می‌کند.

گوش خود را به باد می‌سپارم.

گویی صدای پای کسی است.

آرام آرام نزدیک می‌شود.

نزدیک و نزدیک‌تر،

باوقار، سنگین و نرم،

دیگر فاصله‌ای نمانده است، چهره‌اش را به خوبی می‌بینم.

مردی بلندبالا، خوش‌سایما و دوست‌داشتنی،

از دیدن چهره‌ی زیبا و روحانی او و همچنین لبخند شیرینش، آرامشی در من ایجاد شده است.

مانده‌ام چه بگویم، واژه‌ها تاب عظمت او را ندارند.

سلام می‌کند و مرا به نام صدا می‌زند و می‌پرسد: «در این شب جمعه به کجا

می‌روی، ای شیخ حسن حلی؟»

خدایا، او کیست؟

نام مرا از کجا می‌دانند؟

در این وقت شب با من چه کار دارد؟

شکوه و عظمتش مانع می‌شود که نامش را بپرسم.



می‌گویم: «برای زیارت به حرم آقا و مولایم امام حسین (علیه‌السلام) می‌روم».
چیزی نمی‌گوید؛ اما چهره و نگاهش بیان‌کننده‌ی رضایت قلبی او از این کار است.
سکوتی معنادار حکمفرما شده است.
در کنار یکدیگر به سمت حرم حرکت می‌کنیم.
به دقت، حرکات و رفتارشان را نظاره می‌کنم.
حالم دگرگون است.

نمی‌دانم چه بگویم و چگونه بر این حالت خود مسلط شوم.
سخنانی کوتاه بین من و او رد و بدل می‌شود.
چقدر دوست دارم این گفت‌وگو ادامه پیدا کند.

چرا علامه حلی احساس کرد با مرد فاضل و دانشمندی رو به رو است؟
زیرا سوالاتی از او پرسید که همه را یک به یک و به آسانی پاسخ گفت.
با کمال حیرت، سوالات را یک به یک و به آسانی هرچه تمام‌تر پاسخ می‌گوید.
احساس می‌کنم با مرد فاضل و دانشمندی روبه‌رو هستم؛ لذا فرصت را غنیمت
می‌شمرم و سوالات دیگری که ذهنم را به خود مشغول کرده و تا آن زمان برای آنها
جواب مناسبی نیافته‌ام، می‌پرسم.

پرسش‌ها و پاسخ‌های روشن در پی هم تا اینکه مسئله‌ای می‌پرسم و او پاسخی
می‌دهد. به نظرم سند سخن را در کتاب و روایتی ندیده‌ام.
با مهربانی به من می‌فرماید: «هنگامی که به منزل بازگشتی فلان کتاب را باز کن،
فلان صفحه و فلان سطر آن را بخوان».

ناگهان به خود می‌آیم و با خود می‌گویم، شاید این شخص که در کنارم می‌آید و چنین
مطلع و آگاه است، مولای عزیزم امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) باشد. برای اینکه واقعیت
برایم معلوم شود، می‌پرسم: «آیا من می‌توانم حضرت صاحب‌الزمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ)
را ببینم یا نه؟»

در همین حال کمی به من نزدیک‌تر می‌شود و دستش را در دستم می‌گذارد و این
جمله‌ی به‌یادماندنی را بر زبان می‌آورد که:
«چگونه صاحب‌الزمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) را نمی‌توان دید و حال اینکه دست او در دست
توست؟»

با شنیدن این سخن بی‌اختیار از شدت شوق از حال می‌روم و بیهوش می‌شوم.
وقتی به هوش می‌آیم با حیرت و شگفتی به اطراف می‌نگرم تا شاید روی زیبای او

چرا در آن شب علامه حلی از حال رفت و بیهوش شد؟
زیرا فهمید امام زمان (عج) را ملاقات کرده است.

را دوباره ببینم. مات و حیران مانده‌ام، دستی به سر و صورتم می‌کشم و دقیق‌تر به دور و بر خود نگاه می‌کنم؛ اما کسی را نمی‌بینم.
 افسوس که او رفته است.
 باران اشک امانم نمی‌دهد.
 لحظه‌ای چهره‌ی زیبای او را فراموش نمی‌کنم.
 ... اینک من مانده‌ام و حسرت دیدار دوباره.

کامل کنید

پاسخ سؤالات زیر را به ترتیب اعداد جدول بنویسید؛ سپس حروف را به ترتیب، کنار هم بگذارید و بخوانید. جمله‌ی به دست آمده، یکی از سخنان امام زمان (علیه السلام) است.

	۱۱	ه	۹	۸	۷	
	۱۲	ش	م	د	ا	
۱۳	ا				۶	ی
۱۴	ه				۵	ی
۱۵	س				۴	ه
۱۶	ت				۳	ب
۱۷	م				۲	ن
					۱	م

- اگر جایی آب نداشتیم برای نماز خواندن به جای وضو آن را انجام می‌دهیم. (۱۶-۱۷-۱۲)
- شهر امام رضا (علیه السلام) است. (۱-۱۱-۱۴-۷)
- با گرفتن آن، نماز آیات واجب می‌شود. (۸-۱۳-۹)
- تعداد امامان بعد از امام حسین (علیه السلام) (۲-۴)
- حیوانی که به نام ذوالجناح می‌شناسیم. (۶-۱۵-۳)

امام زمان (علیه السلام) می‌فرماید:

«...من به یاد همه‌ی شما هستم...»

به نظر شما این جمله با موضوع درس چه ارتباطی دارد؟

امام زمان (عج) همواره در کنار ما هستند و به انسان‌ها کمک و یاری می‌رسانند.

نامه‌ای به دوست

نامه‌ای به امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) بنویسید و هر چه می‌خواهید به او بگویید و هر چه دوست دارید از او بخواهید.



عهد با دوست

سال گذشته در درس «خورشید پشت ابر»، عهد‌هایی با امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) بستید.

آیا عهد‌های خود را به خاطر می‌آورید؟ فکر می‌کنید چقدر در انجام دادن آنها موفق بوده‌اید؟

اگر امسال بخواهید پیمان خود را با امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) تجدید کنید، چه عهد‌هایی با او می‌بندید؟

قول می‌دهم که از امروز

.....

تلاش می‌کنم تا

.....



گفت‌وگو کنید

فکر کنید و با مشورت دوستانتان بگویید ما چگونه می‌توانیم از توجّه امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) و دعا‌های ایشان بهره‌مند شویم؟

با گناه نکردن ، عمل به واجبات و دستورات دینی ، دعا کردن ، بی اعتنایی به علایق دنیوی ، انجام کارهای خوب و...

با خانواده

چه دعا‌هایی درباره‌ی امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) می‌شناسید؟
دعای فرج ، دعای ندبه ، دعای عهد ، دعای سلامتی امام زمان (عج)

ا- عهد یعنی: قول و قرار با کسی